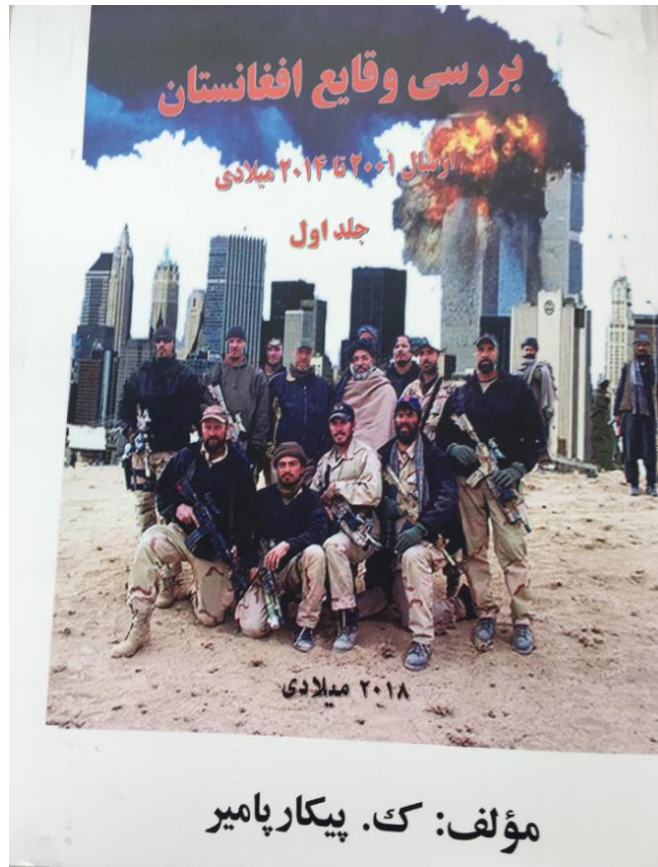


## کتاب «بررسی وقایع افغانستان» را چگونه یافتیم



کتاب «بررسی وقایع افغانستان» به قلم زیبای دوست عزیز و فرهیخته ام جناب پیکار پامیر به نگارش آمده است. این کتاب بیشتر از هزار صفحه و سی و یک فصل دارد که در دو مجلد توسط انجمن دانش در کشور کانادا به چاپ رسیده است. روی پشتی اول کتاب عکس حامد کرزی و نگهبانان امریکایی اش دیده می شوند که معنای خاصی را در ذهن بیننده می نشاند. پشتِ سرِ همین عکس، ساختمان آتش گرفته آسمان خراش های شهر نیویارک به چشم می خورد. گزینش این نگاره ها، در پشتی اول کتاب خیلی ها بجا و سنجیده شده است، زیرا کتاب نامبرده در بر گیرنده وقایع سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ میلادی می باشد که مصیبت های هفده سال پسین کشور ما، ریشه در حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ دارند. به بهانه حادثه یازدهم سپتامبر بود که امریکا و متحدینش به کشور ما تاختند و آن را اشغال کردند. وقتی حادثه یازدهم سپتامبر اتفاق افتاد، محافظه

کاران نوین امریکا بر سریر قدرت تکیه زدند و با شعار «مبارزه بر ضد تروریسم» (که به زودی از آن پشیمان هم شدند) میهن نیمه سوز ما را به تلی از خاکستر مبدل کردند. سرهمبندی دولت دست نشاندۀ امریکا تحت رهبری حامد کرزی و به دنبال آن غنی - عبدالله غیر از شعبده بازی «دنیای آزاد» چه چیزی بوده می تواند؟

نویسنده کتاب، حادثۀ یازدهم سپتامبر و عواقب مرگبار آن را در افغانستان و جهان به طرز عالمانه ای شرح داده است زیرا، نویسنده به این حقیقت وقوف دارد که پی آمد های حادثۀ سپتامبر، به مراتب زیانبار تر از خود آن می باشد.

نثر کتاب «بررسی وقایع افغانستان» روان، منسجم و دلنشین است. من هیچ جایی با کلمات نا مأنوس و مغلق نویسی رو برو نشده ام. جای دادن عکس ها و اسنادی که با حوادث مندرج کتاب پیوند دارند، اعتبار کتاب را بالا برده است. نویسنده کتاب به تعهد خویش مبنی بر اجتناب از «ملاحظه کاری ها و خنثی نویسی های متداول» سخت وفادار مانده است. پیکار پامیر در نوشتن و تحلیل رویداد ها جانب هیچ گروهی را نگرفته و به هیچ قوم و سمتی خود را وابسته نکرده است. او سینۀ خیایتکاران، وطن فروشان، آدم کشان و تفرقه اندازان را با خنجر قلم دریده و از منافع ملی کشور و عزت و شرف مردمش به دفاع برخاسته است. مولف کتاب کوشیده تا بدون ارائه اسناد و آوردن حجت سخن نگوید. او پا به پای حوادث قدم گذاشته و رویداد ها را امانتدارانه یادداشت نموده است. نویسنده در انتظار ننشسته تا حوادث کهنه شوند و شاهدان عینی از صحنه بیرون بروند. نگارنده کتاب، بسیاری از وقایع را خود شاهد بوده و به قول خودش: «بهترین و خواندنی ترین اثر تاریخی همانست که مورخ، خود شاهد وقایع تاریخی زمان خود باشد.» (صفحهٔ دهم - جلد اول بررسی وقایع افغانستان)

دیده می شود که کار نویسنده تنها ثبت رویداد ها نیست بلکه در پرتو آگاهی هایی که از تاریخ، سیاست و زبان دارد، سره را از ناسره جدا کرده و حقیقت را بی هراس نمایانده است. پیکار پامیر، تاریخ نگار و نویسنده ای است متعهد و صاحب اندیشه که در خون او احساسات ملی، ترقی خواهی و مردم دوستی می جوشد. بدین جهت است که آزادی ملی و منافع کشورش را از هر چیزی مقدم تر شمرده است. بازتاب افکار ملی، تحول پسندی و مردم دوستی پیکار پامیر را در هر برگ و سطر و پاراگراف این کتاب می توان یافت.

نویسنده کتاب «بررسی...» چهرۀ انسان های سُست ایمان و سُست پیمان را بی هراس افشاء نموده که چگونه در بدل پول بیگانگان، وجدان خود و آزادی میهن شان را به حراج گذاشتند. این عناصر در هر گروه و تنظیمی جا خوش کرده اند. معامله گران اکثراً منادیان دروغین «راه اسلام» و «جهاد فی سبیل الله» بوده اند که با حرص و آرزوی دالر های «کافران» را در جیب های گشاد شان انداختند. وقتی بازار دالر گرفتن و وطن فروختن گرم بوده، مرز بین «کفر» و «اسلام» وجود نداشته است. پس از خواندن کتاب «بررسی وقایع افغانستان» فهمیدم که برای پُر کردن جیب، بسیاری از سران گروه ها و قوماندانان جهادی با هزاران عشوہ گری مسابقه راه انداخته اند. «رئیس تیم سی. آی. ای، پس از آنکه غرض تماس با سیاف از درۀ پنجشیر رهسپار گلبهار می شود، چنین می نویسد: "من یک بسته یک صد هزار دالری را از چانته بیرون آورده بالای میز پیش روی سیاف گذاشتم. او (سیاف) بستهٔ پول را با ولع تمام به سوی خود کشید، چشمش را برای یک یا دو ثانیه به سوی بستهٔ پول دوخت، مثلی که حیرت زده و دست و پاچه شده و نداند در دستش چیست. چشمانش از حدقه برآمده بود و سپس

بسته را به سوی یکی از افرادش طوری پرتاب نمود که گویی کچالوی داغ را از دستش به آن طرف انداخته باشد." «صفحه ۲۶ و ۲۷ جلد اول)

جناب پیکار پامیر به کمک معلوماتی که از سیاست های خانه برانداز زمامداران پاکستان دارد، مکر و منافقت آنها را به درستی نشان داده که دولتمردان و سازمان استخباراتی پاکستان چگونه از اوضاع پُر آشوب افغانستان بهره های کلانی نصیب شدند و زیرکانه هم به نعل زدند و هم به میخ. حکمرانان پاکستان زیر نام همدستی با امریکا و متحدینش علیه تروریسم پول های کلانی را کمایی کرده و در خفا با تروریستان همنوایی و همکاری کردند. « پاکستان که تا آن زمان ، بخاطر کودتای نظامی و آزمایشات اتمی اش مورد تحریم های امریکا قرار داشت، جورج بوش تمام آن تحریم ها را به صورت فوری مرتفع اعلام کرد، مقدار سه میلیارد دلار از جمله سی و دو میلیارد دلار قروض قابل پرداخت را برای پاکستان بخشید، کمک های نظامی گسترده برای این کشور از سر گرفته شد و برای بانک جهانی اجازه داده شد تا برای حکومت پاکستان قرضه بدهد.» ( صفحه ۳۲ – جلد اول)

نویسنده کتاب اسنادی ارائه می دهد که به رویت آن حامد کرزی با سی. آی. ای همکار بوده و توسط سی. آی. ای به قدرت رسیده. « . . . در حالی که سرازیر شدن پول در شمال و اسلام آباد آغاز شد، حامد کرزی مانند بسیاری از رهبران دیگر در کوئته، ملاقات های مخفیانه با سی. آی. ای داشت. او با یک مامور مخفی که خود را گریگ می نامید، رابطه نزدیک پیدا کرد. او و کرزی همدیگر را قبل از ۱۱ سپتمبر می شناختند و چندین بار در کوئته دیدار کرده بودند. . . گریگ که بعداً رییس مرکز سی. آی. ای در کابل گردید، حامد کرزی را با پول و تلفون های ماهواره ای مورد حمایت قرار داد.» ( صفحه ۳۵ – جلد اول)

جناب پیکار پامیر استادانه نشان داده که حادثه یازدهم سپتامبر فضای عاطفی- سیاسی معینی خلق کرد که محافظه کاران نوین امریکا از این فضا و احساسات مردم جهان در جهت اهداف تجاوزگرانه شان سوء استفاده کردند. نویسنده کتاب قدم به قدم تمهیدات و تدارکات همه جانبه امریکا را در جهت سقوط طالبان و سرانجام اشغال افغانستان و تسلط بر منطقه بیان کرده است. محافظه کاران نوین امریکا زیر بهانه « مبارزه پیشگیرانه » قوانینی را به تصویب رساندند که در آن نه اخلاق مدنظر بوده و نه حقوق بشر. « آلبرتو گونزالس مشاور رئیس جمهور امریکا گفت: " امریکا نباید با احترام گذاشتن به حقوق بشر، اسباب تضعیف خویش را فراهم سازد." پس از حادثه یازدهم سپتامبر محافظه کاران نوین امریکا در جهت گسترش نظامی گری برآمدند و فضای مملو از ترس و وحشت آفریدند. مخالفان سیاسی- ایدئولوژیک در لیست سیاه گرفته شد و بر سازمان ها و احزاب مختلف تعذیرات به میان آمد. چنانکه استراق سمع، کنترل نامه ها، ایمیل، فیسبوک، مراسلات شخصی و دولتی تجاوز آشکار بر حریم خصوصی افراد بوده است. هیئت حاکمه امریکا گستاخانه تلاش کرد تا مالک همه چیز در جهان باشند. بودجه نظامی در امریکا و بسا از کشور ها بالا رفت و این موجب گردید تا مردم فقیر، بازهم فقیر تر شوند. در صفحه ۵۳- جلد اول کتاب می خوانیم: «بودجه سازمان سیا در سال ۲۰۱۳ – چهارده اعشاریه هفت میلیارد دلار، بودجه سازمان امنیت ملی امریکا ده اعشاریه هشت میلیارد دلار ، دفتر شناسایی ملی امریکا مربوط به اقمار مصنوعی و ضبط صدا و تصویر در سراسر جهان ده اعشاریه شش میلیارد دلار بوده است. » در کتاب مذکور آمده است: « سناتور " راس فاین گلد" در مجلس سنای

امریکا اظهار داشت: "شکی نیست که اگر ما در کشوری پولیسی زندگی می کردیم، دستگیری تروریست ها آسان تر می بود، اگر در کشوری زندگی می کردیم که پولیس می توانست در هر موقع و با هر دلیلی، خانه و کاشانه شهروندان را بررسی کند، مکالمه های تلفونی شما را شنود نموده و نامه های الکترونیکی تان را تعقیب نماید. . دولت می توانست تروریست ها را بالفعل و بالقوه شناسایی و دستگیر کند. . ."

با تهاجم امریکا در افغانستان، فرار از کشور و سیل مهاجرت ادامه یافت و جنگ و در بدری هزاران انسان را به کام مرگ فرستاد. ایجاد زندان های وحشتناک در افغانستان، عراق و جا های دیگر باعث گردید که هزاران انسان در این زندان ها با بی رحمی تمام شکنجه شوند. «بررسی وقایع افغانستان» نشان می دهد که سربازان امریکایی در این زندان ها زندانیان را بیدار خوابی می دادند، برهنه می کردند، جریان آب شدید را ذریعه پایپ در معقد اسیران داخل می کردند، سگ های هار را به جان اسیران برهنه رها می کردند تا آله تناسلی شان را با دندان قطع کنند. . .

پیکار پامیر در نوشتن کتاب بررسی وقایع افغانستان از ده ها کتاب، مجله، سایت های اینترنتی، مصاحبه ها و گزارش ها استفاده برده است. استفاده از این منابع - آنها هم به زبان های مختلف- کار آسانی نیست که توجه و زحمت کثی نویسنده را به نمایش می گذارد.

اگر نویسنده کتاب اعمال ننگین و جنایتکارانه طالبان و دیگر گروه های ضد بشری را محکوم کرده، جنایات تکانهنده امریکا و ناتو را در افغانستان و جهان نیز فراموش نکرده است. از نظر نویسنده کتاب، اعمال تروریستی القاعده، طالبان و داعش به همان اندازه ای جنایتبار و ننگین است که: کشتار وحشیانه مردم عادی توسط بم افکن های امریکایی.

کتاب «بررسی وقایع افغانستان» نقش شیطنت آمیز زمامداران پاکستان را در ویرانی افغانستان به درستی نشان می دهد. نویسنده کتاب بطور مستند و تحلیل گرانه آشکار ساخته که چگونه سازمان جهنمی آی. اس. آی در شکل دهی، پرورش و هدایت طالبان و سایر گروه های مزدور و تخریبکار قدرت بی حد و حصری دارد. در این کتاب می خوانیم که نه تنها پاکستان بلکه کشور های عربی نیز با دادن پول و تجهیز ایدئولوژیک و لوژستیکی گروه های تروریستی، آنها را دشمن جان و مال و ناموس مردم ما ساخته اند.

افشای دسیسه ای به نام کنفرانس بن و بیرون کشیدن مرده های مومیایی شده از گور تاریخ و سوار کردن آنها بر شانه های زخمی مردم ما بخش دیگری از کار نویسنده می باشد که در متن کتاب جای گرفته است. همچنان، نام های افراد و اشخاصی که در تعیین پالیسی و رقم زدن تحولات نقش داشته اند را با زندگینامه شان بطور مفصل ذکر کرده است.

پیکار پامیر که از مسایل تاریخ و سیاست سررشته خوبی دارد، دنباله مصایب را در عراق نیز پیگیری کرده که چگونه پس از افغانستان نوبت به عراق رسیده و مردم آن کشور قربانی تجاوز امریکا و همپیمانان او شدند. یکی از خوبی های کتاب این است که مقاومت های عادلانه در برابر اشغال گری و زور گویی امریکا و ناتو را نیز شامل فهرست کتاب نموده است.

حضور جواسیس خارجی در افغانستان و از آن جمله در شعبات دولتی، کنترل رسانه ها، دادن پول به مخبران، مساجد، تکایا و دیکته کردن افکار، عملی است خاینانه که پیکار پامیر به آن توجه لازم مبذول داشته است. در صفحه ۲۶۵ کتاب چنین می

خوانیم: «در حال حاضر، سازمان (سیا) در افغانستان جاسوسان وطنی فراوانی دارد که مطیع تر از نیروهای فعال سیا برای این سازمان فعالیت می کنند.»

تأسیس مدارس دینی در افغانستان و مغز شویی دختران و پسران افغان در این مدرسه ها با ارائه اسناد به تحلیل گرفته شده است. همچنان بالای خانمانسوز مواد مخدر و تجارت آن به طور مستند در کتاب بازتاب یافته است. چور زمین های شخصی و دولتی توسط زورمندان، فساد مالی و اختلاس، غارت معادن، آلوده ساختن محیط زیست و ده ها موضوع و مسئله مهم و حیاتی دیگر را در کتاب می خوانیم.

شعار مبارزه برضد گروه های دهشت افکن که از طرف امریکایی ها داده شده بود، آهسته آهسته از مود افتاد و جایش را سازش و معامله گرفت. «لیام فاکس که متعاقباً به کرسی وزارت دفاع انگلستان رسید، اظهار داشت: "انگلیس یک پولیس جهانی نیست و وظیفه نیرو های انگلیسی در افغانستان، امن تر ساختن سرک های کشور ما است و نه فرستادن دختران افغان به مدرسه. . . ما به فکر کشور خود هستیم که نیروهایمان را افغانستان فرستاده ایم، به فکر امنیت بیشتر برای انگلیس هستیم.» (صفحه ۳۱۵ - جلد اول)

کتاب پیرامون وضعیت ناگوار زنان و کودکان سخنانی دارد. سنگسار، گوش و بینی بریدن ها، آتش سوزی و تجاوزات جنسی همه و همه تحفه های «دموکراسی امریکایی» در کشور ما اند.

متن موافقنامه ها میان دولت دست نشانده افغانستان و دولت های خارجی و مفاد این موافقت نامه ها به طور مشرح ثبت کتاب شده است. از کنفرانس های بین المللی در رابطه با افغانستان یاد شده و فیصله های این کنفرانس ها و عواقب آن ها را به بحث کشیده، همچنان پیمان های استراتژیک میان افغانستان و کشور های خارجی را درج کتاب کرده است.

در رابطه با هدف امریکا نسبت به کشور های شمال افغانستان و روسیه نظر نویسنده کتاب اینگونه است. «آنچه مسلم می نماید، اینست که ابرقدرت امریکا. . . سعی به عمل می آورد تا از احیای امپراتوری روسیه جلوگیری نماید. همچنان سعی به عمل می آورد تا به منابع زیر زمینی کشور های محور روسیه و نقاط تعیین شده استراتژیک دست یابد و حصول پیروزی در این راه، با توسل به مذهب، تندروی مذهبی، ایجاد گروه ها و تشکلات مسلحانه تخریبی افراط گرا به سهولت میسر خواهد بود. همچنان باید گفت که پیشرفت های سریع علمی و اقتصادی چین قدرت یابی نظامی آن کشور، مقام های امریکایی را سخت نگران ساخته است. امریکا موازی با تلاش های همه جانبه استراتژیک علیه روسیه، برنامه های زیرکانه استراتژی علیه چین نیز دارد که تطبیق بخش عمده این برنامه ها علیه هر دو کشور بزرگ (چین و روسیه) را می خواهد از طریق افغانستان عملی سازد.» (صفحه ۲۰۶ و ۲۰۷ - جلد دوم)

پیکار پامیر مقاومت و مبارزه برضد اشغالگری، ستم و عقب گرایی را ستوده و از آن به دفاع بر خاسته است. برای او مهم نیست که این مقاومت در کجای دنیا سر بالا کرده باشد. «زنان و دوشیزگان جوان شهر "کوبانی" که یکی از شهر های گُرد نشین و هم مرز با ترکیه بوده و توسط داعش اشغال شده بود، تصمیم به مقاومت مسلحانه و جانبازانه غرض آزاد سازی زادگاه شان گرفتند. این مقاومت دلیرانه در عصر ما به حدی بینظیر بود که نه تنها از پیشروی های بیشتر داعشی ها جلوگیری به

عمل آوردند، بلکه مبارزان سربکف کُرد به شمول دوشیزگان جوان و دلیر آن، شهر «کوبانی» را از وجود نیروهای داعش پاکسازی نیز نمودند. این حماسه زنان و دوشیزگان فداکار شهر کوبانی، هنگامه های انتباهی و تحسین برانگیز مردمان منطقه و جهان را برانگیخت و یک بار دیگر ثابت نمود که هرگاه انسان ها بخواهند و از مرگ خویش نهراسند، می توانند قوی ترین و درنده خو ترین نیرو های ضد آزادی و ضد انسانیت را به زانو درآوردند.» (صفحه ۲۱۴ - جلد دوم)

با خواندن کتاب «بررسی وقایع افغانستان» بار دیگر به این نتیجه رسیدم که مردم هردم شهید افغانستان چون دانه گندم در میان دو سنگ آسیاب گیر مانده اند، یک طرف اشغالگران و دولت مستعمراتی و ضد مردمی، طرف دیگر نیرو های ضد ترقی، جنایتکار و جهالت گستر.

پدید آمدن رسانه های دیداری و شنیداری و دسترسی به انترنت فاصله میان کتاب و کتاب خوان را زیاد تر کرده است. مزید بر این، گرفتاری های زندگی سبب شده که مردم وقت کمتری برای کتاب خواندن داشته باشند. با قید اینکه، سطح علاقمندی انسان ها نیز به کتاب و کتاب خواندن کاهش یافته است. به باور من خواندن تک مقاله ها یا شنیدن رادیو و دیدن تلویزیون و استفاده از انترنت بسیار ضروری می باشد اما هیچ کدام اینها جای خالی کتاب را پر نمی سازند. نسل جوان اگر می خواهد درد مردم و کشورش را بشناسد و راه درمان آن را نیز، باید کتاب بخواند. مطالعه کتاب به صورت مرتب و منظم، به انسان معلومات جامع و سیستماتیک می بخشد. می دانیم که هر نویسنده ای کتابش را برای دیگران می نویسد، نه برای خودش. به هر پیمانیه ای که درجه کتاب خوانی در یک جامعه بالا برود، نویسندگان زیادی به صحنه می آیند، دست به قلم می برند و آثار ارزشمندی را به خوانندگان عرضه می کنند. اینجا پای معادله عرضه و تقاضا در میان است. بالعکس، اگر کسی کتاب نخرد و نخواند، دیگر کسی حاضر نخواهد شد کتابی تألیف کند، آنگاه جامعه ما در خلاء دردناکی معلق خواهد ماند و در نتیجه آگاهی ما در باره تاریخ، شعر و ادب، دانش و فرهنگ ناقص خواهد بود.

خواندن کتاب «بررسی وقایع افغانستان» را برای همه، بویژه برای نسل جوان و تازه نفس ضروری می دانم. خواندن این کتاب معلومات جوانان را افزایش می دهد و ضرورت به آگاهی، اتحاد و همدلی را در ذهن آنها بیدار می سازد.

در پایان این نوشته نا قابل و نابالغ احترامانه به عرض می رسانم که کتابی به این خوبی برخی اشتباهات چاپی نیز دارد که امید وارم در چاپ بعدی این اشتباهات رفع شوند. بعضی از کلمات با هم چسبیده اند. طور نمونه:

که نه تنها/ کهنه تنها - تاجران و مغازه داران / تاجرانومغازه داران - گذراندن یک دوره / گذراندنیک دوره - که پس / کهپس و غیره.

اگر در پایان هر نقل قول و یا روایت هایی که نویسنده آنها را از منابع دیگران به امانت گرفته، شماره (عدد) می آمد و بعداً این عدد در منبع یا مأخذ پیوند زده می شد، بهتر می بود.

برای جناب پیکار پامیر سلامتی و پیروزی های بیشتر آرزو می کنم.

نسیم رهرو

